

بررسی عوامل موثر بر گرایش زنان به مشاغل مردانه

(مطالعه موردی: دختران دانشجوی دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر فریبا شایگان^۱، دکتر علیرضا کلدی^۲، سیده زهرا عسکری طباطبائی^۳

چکیده:

گرایش زنان به مشاغل مردانه، از جمله پدیده‌های اجتماعی است که در سال‌های اخیر دیده می‌شود. یکی از این مشاغل، شغل پلیسی است که تحقیق حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال اصلی است که چه عواملی بر گرایش زنان به شغل پلیسی موثر است. تئوری‌های به کار رفته در این تحقیق نظریات فمینیستی، نظریات مراجع و علمای دینی در خصوص اشتغال زنان، تئوری تقسیم کار جنسیتی، نظریه تفاوت بیولوژیکی، تئوری جداسازی بازار کار و تئوری تفکیک مشاغل است. روش به کار رفته در این تحقیق، روش پیمایش و ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است که بین ۱۰۰ نفر متشکل از ۵۰ نفر از دانشجویان دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی در تهران و ۵۰ نفر از دانشجویان زن دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی پرسشنامه تکمیل گردید که با استفاده از نرم افزار SPSS به تحلیل روابط متغیرها از طریق ضریب همبستگی پیرسون پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد از میان شش فرضیه که به بیان رابطه بین تبلیغ رسانه‌های جمعی، تضمین شغلی، ویژگی‌های روحی و روانی زنان، همسان‌پنداری زنان با مردان، نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن (متغیرهای مستقل تحقیق) و گرایش زنان به شغل پلیسی (متغیر وابسته تحقیق) می‌پردازد، سه فرضیه تأیید و سه فرضیه رد شد. فرضیه‌های تأیید شده رابطه بین تبلیغ رسانه‌های جمعی (با ضریب همبستگی ۰,۵۳۸، در دانشکده پلیس زن و ۰,۶۱۹ در دانشکده علوم اجتماعی)، ویژگی‌های روحی و روانی زنان (با ضریب همبستگی ۰,۴۴۳ در دانشکده پلیس زن و ۰,۵۰۹ در دانشکده علوم اجتماعی)، نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن (با ضریب همبستگی ۰,۶۳۵ در دانشکده پلیس زن و ۰,۵۲۳ در دانشکده علوم اجتماعی) متغیرهای مستقل تحقیق بوده و گرایش زنان به شغل پلیسی متغیر وابسته تحقیق را نشان می‌دهد که این رابطه مستقیم و مثبت می‌باشد. یعنی با بالا رفتن تبلیغ رسانه‌های جمعی، ویژگی‌های روحی و روانی زنان، نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن، میزان گرایش زنان به شغل پلیسی افزایش می‌یابد.

کلید واژه‌ها: زنان، مشاغل مردانه، شغل پلیس زن

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۷/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۵/۵

دانشیار دانشگاه علوم انتظامی

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول) arkaldi@yahoo.com

کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه و طرح مسئله

زن موجود ظریفی است که مشاغل و کارهای سخت و خشن متناسب با روحیه و فطرت او نیست. قرآن زن را همانگونه که در طبیعت هست می بیند و زن در قرآن در واقع همان زن در طبیعت است. (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۳) طبیعت مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا آفریده است و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن. زن ناز است و مرد نیاز، بنابراین زن لطیف است و نباید از او انتظار کارهای طاقت فرسا را داشته باشیم. چنانکه در روایت آمده است که المرأه ریحانه کیست بقره مانه.

شواهد علمی و روانشناسی نیز حاکی از آن است که زن در کارهای ظریف موفق تر از مرد بوده است. زن با ویژگی های مذکور می تواند نقش همسری را به خوبی ایفا کند و همچنین مربی خوبی برای فرزندان باشد و بنیان خانواده را استحکام بخشد. لازم به ذکر است که وظایف همسری و مادری مانع از حضور اجتماعی زنان نیست و جامعه در برخی مشاغل نیاز به حضور زنان دارد. بیشتر این مشاغل به نحوی است که با روحیه زنان همخوانی دارد، مثل معلمی، پرستاری و ...

اما مشکلی که اکنون وجود دارد، گرایش خانمها به مشاغل مردانه است که می تواند منشأ بسیاری از مشکلات باشد. امروزه زنان به عنوان قشری فعال در بسیاری از فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی شرکت دارند. بسیاری از مراکز دولتی و غیر دولتی و NGO ها حضور زنان را در عرصه های مختلف شاهد هستند و زنان به راحتی نقشهای جدید را در کنار نقشهایی از قبیل همسری و مادر بودن پذیرفته اند ولی نگرانی از گرایش زنان به مشاغل مردانه است. مشاغل مردانه در روحیه دختران اثر گذار است و این تغییر روحیه باعث خواهد شد که در آینده با مشکلاتی نظیر ناسازگاری زوجین، عدم تفاهم و افزایش اختلافات زناشویی، عدم تربیت صحیح فرزندان و بوجود آمدن فرزندان نابهنجار یا فرزندان کمبود عاطفه و محبت دارند مواجه شوند. در نتیجه در جامعه ای که خانم ها روحیه مردانه پیدا می کنند عواقبی در پی خواهد داشت که در آن جامعه شاهد خانواده های سالم نخواهیم بود.

یکی از مشاغلی که دارای وجهه مردانه است و جامعه آن را به عنوان شغلی مردانه می شناسد شغل پلیسی است که چند سالی است در ایران شغل پلیس زن هم ایجاد شده است. پس از انقلاب اسلامی سازمان نیروی انتظامی از سال ۱۳۷۶ به دلیل ضرورتهای سازمانی و نیاز جامعه مقدمات پذیرش زنان را در مشاغل انتظامی علاوه بر مشاغل کارمندی که از قبل بر عهده داشتند فراهم نمود و پس از طی اقدامات قانونی در سال ۱۳۷۸ موفق به کسب مجوز پذیرش دانشجوی افسری زن و آغاز آموزش آنان در دانشگاه علوم انتظامی گردید. اگرچه حضور زنان پلیس برای ارائه خدمات انتظامی مثل دادن گذرنامه، گواهی نامه رانندگی، مشاوره انتظامی و ... و نیز برخورد با مجرمین زن ضروری است و از نیازهای جامعه اسلامی است ولی بهر حال زنان پلیس مجبورند با مجرمین سروکار داشته باشند، نگهبانی و شیفتهای شبانه بدهند، با زندان و زندانی در ارتباط باشند و آموزشهای خشن چون تیراندازی کردن، رژه رفتن، مشق شمشیر و کار با سلاح را فرا بگیرند.

با این وجود استقبال بسیار زیادی از این شغل صورت می گیرد و به گفته خانم دکتر شایگان رئیس دانشکده پلیس زن ۹۴٪ دانشجویانی که وارد این رشته شده اند به دلیل اینکه این رشته نیمه متمرکز است در یک رشته دانشگاهی دولتی دیگر قبول شده اند و یک ترم تحصیل نموده اند و سپس آن رشته را رها کرده و به رشته پلیس زن روی آورده اند. بنابراین افرادی نیستند که ضریب

هوشی پایینی داشته باشند و یا از روی ناچاری و استیصال به این رشته آمده باشند. بنابراین سؤال این است که چرا خانمها به این شغل مردانه اشتیاق نشان می دهند و علت گرایش دختران به این شغل چیست؟

مبانی نظری

در بخش مبانی نظری، در این تحقیق به بررسی دیدگاه های مختلف در مورد کار، نظریات فلاسفه و دانشمندان مربوط به تفاوت جنسی و تقسیم مشاغل، نظریات فمینیستی در خصوص زنان، نظریات مراجع و علمای دینی معاصر در مورد اشتغال زنان، نظریه تفاوت های بیولوژیکی، تقسیم کار جنسیتی، تئوری های نابرابری شغلی (تئوری نئوکلاسیک ها و تئوری جداسازی بازار کار)، نظریه برابری جنسی در مشاغل، رضایت شغلی و تئوری های مرتبط، نظریه ویژگی شغل و تفکیک مشاغل پرداخته شده است.

نظریاتی که مرتبط با موضوع تحقیق اینجانب است به شرح ذیل می باشد:

تئوری تقسیم کار جنسیتی: در تمام جوامع، تقسیم کار بر مبنای جنسیت وجود دارد. مهمترین عامل در تغییر نقش های جنسیتی، بحران های اقتصادی است. پیامد این بحران ها در بسیاری از خانواده سبب عدم کفایت درآمد مردان برای تامین هزینه های زندگی شده است. بنابر این زنان ساعات کار خود را در فعالیت های تولیدی درآمدزا افزایش داده و یا وارد گروه نیروی کار دستمزد بگیر شده اند. علاوه بر این بحران های اقتصادی، زنان را وارد نوعی از فعالیت های اقتصادی کرده که به طور سنتی حوزه کار آنان نبوده است. در نتیجه سهم زنان در بهبود کیفیت زندگی خانواده ها افزایش یافته و بسیار اساسی شده است (شادی طلب، ۱۳۷۹: ۳۲-۱).

تئوری جداسازی بازار کار: یکی از تئوری های نابرابری شغل، تئوری جداسازی بازار کار می باشد. بازارهای کار با گروه بندی های حرفه ای مشخص می گردند و به نظر می رسد دوگانگی در اجزای اولیه و ثانویه آنهاست. در بخش اولیه، خصوصیات کار این است: شرایط کاری خوب، مزد زیاد، فرصت هایی برای پیشرفت در امور کاری و مهم تر از همه ثبات شغلی. در بخش ثانویه کارگران در همه جنبه ها وضعیتشان بدتر است، از جمله عدم ثبات شغلی، مزد پایین و شرایط بد کاری (سفیری، ۱۳۷۷: ۵۸).

شاید وجود دو بازار نسبتا جدا از هم یکی برای مردان و یکی برای زنان علت مزد کم زنان باشد. مادام که انتخاب شغل زنان محدود باشد و برای مشاغل زنانه داوطلب زیاد، انتظار می رود که در مشاغل زنانه تراکم وجود داشته و در نتیجه مزد مشاغل صرفا زنانه پایین خواهد بود؛ چون زنان باید برای تعداد نسبتا محدودی از مشاغل با یکدیگر رقابت کنند (زنجان زاده، ۱۳۷۰: ۱۵۴).

تئوری تفکیک مشاغل: برای زنان بیش از مردان احتمال دارد که به طور کلی و نیز در درون طبقه بندی های شغلی، در مشاغل کم منزلت و کم درآمد قرار گیرند. گرچه احتمال اشتغال زنان به کارهای اداری بیش از مردان است ولی فقط شمار اندکی از آنان به کارهای تخصصی یا مدیریت دست پیدا می کنند. آن گروه از زنان هم که به کارهای تخصصی اشتغال دارند، عمدتا در حوزه های نیمه تخصصی رده های پایین تر نظیر معلمی مدرسه، کتابداری، پرستاری و خدمات اجتماعی قرار گرفته اند (آبوت و والاس، ۱۳۸۱: ۱۹۱).

از این سه نظریه اینگونه استنباط می شود که از جمله عواملی که سبب گرایش زنان به مشاغل مردانه می شود، نیاز مالی و همچنین تضمین شغلی است. وجود دو بازار نسبتا جدا که سبب محدودیت در انتخاب شغل زنان می شود، نابرابری حقوق و مزایای زنان و

مردان، مزد پایین و تراکم بالا در مشاغل زنانه سبب می شود زنان به مشاغل مردانه روی بیاورند تا به این وسیله هم نیاز مالی خود را برطرف نمایند و به کارهای تخصصی مشغول شوند و هم از مهمترین خصوصیت بخش اولیه بازار کار که همان ثبات شغلی است، بهره مند شوند.

مقایسه نگرش های مردان و زنان در محل کار نشان می دهد که مردان تمایل بیشتری نسبت به زنان در کسب درآمد مناسب، داشتن آزادی از نظارت و سرپرستی نزدیک، داشتن فرصت های رهبری و دارا بودن مشاغلی که پایگاه اجتماعی آنان را تقویت کند و افزایش دهد، دارند. ضمناً زنان در جستجوی مشاغلی هستند که در آن امکان کمک به دیگران وجود داشته باشد و بیش از مردان در جستجوی عواید شخصی مانند لذت، غرور، انجام وظیفه و رقابت شخصی هستند (لیسون، ۱۹۸۴: ۱۴۰).

شغل پلیس زن از جمله مشاغلی است که در ارتباط مستقیم با مردم و از جمله مجرمین و آسیب دیدگان می باشد و کاری است که به مساعدت اقبال مختلف مردم آید و در آن به تجربیات مختلفی دست پیدا می کند و می تواند با هم جنسان خود و حتی مردان به رقابت پردازد. همچنین نیاز جامعه به پلیس زن برای تامین امنیت و خدمت رسانی به زنان جامعه با رعایت تمامی اصول و ضوابط اسلامی سبب می شود در صحنه های مختلف بر اساس احتیاج جامعه وارد شوند. بنابراین از جمله عوامل گرایش زنان به مشاغل مردانه ای چون پلیس زن نیاز جامعه است.

تفاوت های بیولوژیکی زن و مرد: در مورد تفاوت بین زن و مرد، باید گفت که به لحاظ بیولوژیکی با هم متفاوتند. دو نیمکره مغز پسرها، نسبت به دو نیمکره مغز دخترها بیشتر تخصصی شده اند. همچنین دخترها از لحاظ استعداد های کلامی مثل خواندن، املا، کلمات و تلفظ دقیق آنها از پسرها بهتر هستند و در فعالیت های تجسم فضایی پسرها بهتر از دخترها می باشند. (گنجی، ۱۳۸۲: ۳۴)

همچنین بین صفات شخصیتی و میزان هورمون تستوسترون یا هورمون مردانه نیز روابطی وجود دارد. میزان تستوسترون در دخترهایی که به ظاهر حرکت های پسرانه دارند و به یادگیری فعالیت های پسرانه علاقه نشان می دهند، خیلی بالاتر از دخترهایی است که به یادگیری فعالیت های به ظاهر دخترانه علاقه نشان می دهند. به همین دلیل است که دخترانی که تستوسترون بالایی دارند، خود را جسورتر، خودمختارتر و چالاک تر می دانند و در واقع اعتماد به نفس و خویشتن داری قوی دارند (گنجی، ۱۳۸۲: ۳۵).

در واقع شاید بتوان گفت ویژگی های روحی و روانی از قبیل اعتماد به نفس و جسارت و خود مختاری در دخترهایی که به یادگیری فعالیت های به ظاهر پسرانه علاقه نشان می دهند به دلیل میزان تستوسترون بالا در آنان است و گرایش به مشاغل مردانه و از جمله شغل پلیسی در این دختران بیشتر است. گرایش به شغل پلیسی در دخترهایی که اعتماد به نفس بالاتری دارند و روحیه هایی چون هیجان خواهی دارند، بیش از سایر دختران است.

نظر آیت الله جوادی آملی در خصوص تفاوت زن و مرد

در اصول بنیادی تقرب و تکامل هیچ تفاوتی بین زن و مرد به عنوان انسان وجود ندارد ولی در مواردی که به ویژگی های جسمی برمی گردد، تفاوت وجود دارد. مرد به خاطر ویژگی های خاص خود مسئولیت های بیشتری دارد.

قرآن گاه تعبیر به «ناس» و گاه تعبیر به «انسان» می‌کند، در این دو حالت هم جنسیت مطرح نیست و شامل زن و مرد می‌شود. پس نتیجه اینکه زن و مرد بودن مایه افتخار نیست. هم زن از زن و مرد خلق شده و هم مرد از زن و مرد خلق شده «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى (سوره حجرات، آیه ۱۳)» و خداوند تقوا را ملاک برتری دانسته و می‌گوید زن یا مرد بودن ملاک برتری نیست بلکه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، آیه ۱۳).

به دلیل اینکه در مبانی تکامل انسانی هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و زن و مرد بودن مایه افتخار و مباهات نیست، زنان برای همسان پنداری با مردان و اینکه ثابت کنند جنسیت در نوع شغل تاثیر ندارد و آنها نیز می‌توانند مشاغلی که مردان به آن اشتغال دارند را عهده دار باشند، به شغل‌هایی چون پلیسی روی می‌آورند.

فرضیه های تحقیق

- به نظر می‌رسد بین تبلیغ رسانه های جمعی و گرایش به شغل پلیسی در میان زنان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تضمین شغلی و گرایش به شغل پلیسی در میان زنان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین ویژگیهای روحی و روانی زنان و گرایش آنها به شغل پلیسی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین ویژگی همسان پنداری زنان با مردان و گرایش زنان به شغل پلیسی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن و گرایش زنان به شغل پلیسی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نیازهای مالی و گرایش به شغل پلیسی در میان زنان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق از آنجا که هدف سنجش نگرش افراد نسبت به مشاغل مردانه است، از روش پیمایشی که خاص سنجش نگرش است و هم چنین در بخش مطالعات نظری و جمع آوری اطلاعات از روش اسنادی و کتابخانه ای استفاده شده است. در روش پیمایشی از تکنیک و پرسشنامه محقق ساخته و در روش اسنادی از تکنیک فیش برداری بهره برده ایم.

پرسشنامه تحقیق حاضر شامل ۵۳ سوال می‌باشد که ۵۲ سوال آن به صورت سوالات بسته پنج گزینه ای در طیف لیکرت تعریف شده است و ۱ سوال به صورت سوال باز آمده است. ۱۱ سوال ابتدایی به شکل سوالات زمینه ای و در مورد اطلاعات فردی است و مابقی سوالات به تایید یا رد فرضیات تحقیق می‌پردازد.

جامعه آماری تحقیق ۱۰۰ نفر متشکل از ۵۰ نفر از دانشجویان دختر شاغل به تحصیل دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی و ۵۰ نفر از دانشجویان دختر رشته علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی که در سال ۱۳۹۱ در حال تحصیل هستند، می‌باشد.

در مورد حجم نمونه، در گروه اول به صورت تمام شمار انجام گرفت که طبق آمارهای موجود در حال حاضر ۵۰ نفر دانشجو در مقطع کارشناسی در این دانشکده در ترم پایانی در حال تحصیل می‌باشند. از گروه دوم هم به میزان گروه اول یعنی ۵۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی رشته علوم اجتماعی به عنوان نمونه از طریق نمونه گیری در دسترس مورد بررسی قرار گرفت.

یافته های تحقیق

فرضیه ۱: به نظر می رسد بین تبلیغ رسانه های جمعی و گرایش به شغل پلیسی در میان زنان رابطه وجود دارد.

جدول ۱: ضریب همبستگی پیرسون بین تبلیغ رسانه های جمعی و گرایش به شغل پلیسی

تبلیغ رسانه های جمعی		گرایش به شغل پلیسی		دانشکده	
۰.۵۳۸	۱	همبستگی پیرسون	گرایش به شغل پلیسی	پلیس زن	
۰.۰۰۰		معنی داری			
۴۹	۵۰	تعداد			
۱	۰.۵۳۸	همبستگی پیرسون	تبلیغ رسانه های جمعی		
۰.۰۰۰		معنی داری			
۴۹	۴۹	تعداد			
۰.۶۱۹	۱	همبستگی پیرسون	گرایش به شغل پلیسی	علوم اجتماعی	
۰.۰۰۰		معنی داری			
۴۹	۴۹	تعداد			
۱	۰.۶۱۹	همبستگی پیرسون	تبلیغ رسانه های جمعی		
۰.۰۰۰		معنی داری			
۵۰	۴۹	تعداد			

در دانشکده پلیس زن با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می توان گفت که با اطمینان ۰,۹۹ و سطح خطای کوچک تر از ۰,۰۱، بین تبلیغ رسانه های جمعی و گرایش به شغل پلیسی رابطه وجود دارد. از طرفی مقدار این رابطه که برابر با ۰,۵۳۸ است، به طور مستقیم (مثبت) و در حد متوسط می باشد. بدین معنی که با بالا رفتن تبلیغ رسانه های جمعی، میزان گرایش زنان به شغل پلیسی به نسبت متوسطی بالا خواهد بود. همین طور در دانشکده علوم اجتماعی نیز با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می توان گفت که با اطمینان ۰,۹۹ و سطح خطای کوچک تر از ۰,۰۱، بین تبلیغ رسانه های جمعی و گرایش به شغل پلیسی رابطه وجود دارد. از طرفی مقدار این رابطه که برابر با ۰,۶۱۹ است، به طور مستقیم (مثبت) و در حد متوسط می باشد. بدین معنی که با بالا رفتن تبلیغ رسانه های جمعی، میزان گرایش زنان به شغل پلیسی به نسبت متوسطی بالا خواهد بود.

فرضیه ۲: به نظر می رسد بین تضمین شغلی و گرایش به شغل پلیسی در میان زنان رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از جدول ماتریس همبستگی، در دانشکده پلیس زن سطح معنی داری بیش از ۰,۰۵ درصد می باشد ($Sig=0,731$). بنابراین بین تضمین شغلی و گرایش به شغل پلیسی رابطه وجود ندارد. در دانشکده علوم اجتماعی سطح معنی داری بیش از ۰,۰۵ درصد می باشد ($Sig=0,954$). بنابراین بین تضمین شغلی و گرایش به شغل پلیسی رابطه وجود ندارد.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بین ویژگیهای روحی و روانی زنان و گرایش آنها به شغل پلیسی رابطه وجود دارد.

جدول ۲: ضریب همبستگی پیرسون بین ویژگیهای روحی و روانی زنان و گرایش به شغل پلیسی

دانشکده		گرایش به شغل پلیسی	ویژگیهای روحی و روانی
پلیس زن	گرایش به شغل پلیسی	همبستگی پیرسون	.۴۴۳**
		معنی داری	.۰۰۳
		تعداد	۴۴
	ویژگی های روحی و روانی	همبستگی پیرسون	.۴۴۳**
		معنی داری	.۰۰۳
		تعداد	۴۴
علوم اجتماعی	گرایش به شغل پلیسی	همبستگی پیرسون	.۵۰۹**
		معنی داری	.۰۰۰
		تعداد	۴۸
	ویژگی های روحی و روانی	همبستگی پیرسون	.۵۰۹**
		معنی داری	.۰۰۰
		تعداد	۴۸

در دانشکده پلیس زن با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می‌توان گفت که با اطمینان ۰,۹۹ و سطح خطای کوچک تر از ۰,۰۱ بین ویژگی های روحی و روانی زنان و گرایش به شغل پلیسی رابطه وجود دارد. از طرفی مقدار این رابطه که برابر با ۰,۴۴۳ است، به طور مستقیم (مثبت) و در حد متوسط می‌باشد. بدین معنی که با بالا رفتن ویژگی های روحی و روانی زنان، میزان گرایش زنان به شغل پلیسی به نسبت متوسطی بالا خواهد بود. همین طور در دانشکده علوم اجتماعی با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می‌توان گفت که با اطمینان ۰,۹۹ و سطح خطای کوچک تر از ۰,۰۱ بین ویژگی های روحی و روانی زنان و گرایش به شغل پلیسی رابطه وجود دارد. از طرفی مقدار این رابطه که برابر با ۰,۵۰۹ است، به طور مستقیم (مثبت) و در حد متوسط می‌باشد. بدین معنی که با بالا رفتن ویژگی های روحی و روانی زنان، میزان گرایش زنان به شغل پلیسی به نسبت متوسطی بالا خواهد بود.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد بین ویژگی همسان پنداری زنان با مردان و گرایش زنان به شغل پلیسی رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول ماتریس همبستگی، در دانشکده پلیس ز نسطح معنی داری بیش از ۰,۰۵ درصد می‌باشد) $(Sig=0,467)$ بنابراین بین ویژگی همسان پنداری زنان با مردان و گرایش زنان به شغل پلیسی رابطه وجود ندارد. در دانشکده علوم اجتماعی سطح معنی داری بیش از ۰,۰۵ درصد می‌باشد) $(Sig=0,079)$ بنابراین بین ویژگی همسان پنداری زنان با مردان و گرایش زنان به شغل پلیسی رابطه وجود ندارد.

فرضیه ۵: به نظر می رسد بین نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن و گرایش زنان به شغل پلیسی رابطه وجود دارد.

جدول ۳: ضریب همبستگی پیرسون بین نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن و گرایش به شغل پلیسی

دانشکده		گرایش به شغل پلیسی	نیاز جامعه اسلامی
پلیس زن	گرایش به شغل پلیسی	همبستگی پیرسون	۰.۶۳۵
		معنی داری	۰.۰۰۰
		تعداد	۵۰
	نیاز جامعه اسلامی	همبستگی پیرسون	۰.۶۳۵
		معنی داری	۰.۰۰۰
		تعداد	۵۰
علوم اجتماعی	گرایش به شغل پلیسی	همبستگی پیرسون	۰.۵۲۳
		معنی داری	۰.۰۰۰
		تعداد	۴۹
	نیاز جامعه اسلامی	همبستگی پیرسون	۰.۵۲۳
		معنی داری	۰.۰۰۰
		تعداد	۴۹

در دانشکده پلیس زن با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می توان گفت که با اطمینان ۰,۹۹ و سطح خطای کوچک تر از ۰,۰۱ بین نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن و گرایش به شغل پلیسی رابطه وجود دارد. از طرفی مقدار این رابطه که برابر با ۰,۶۳۵ است، به طور مستقیم (مثبت) و در حد نسبتاً بالا می باشد. بدین معنی که با بالا رفتن نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن، میزان گرایش زنان به شغل پلیسی به نسبت قابل توجهی بالا خواهد بود. همین طور در دانشکده علوم اجتماعی با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می توان گفت که با اطمینان ۰,۹۹ و سطح خطای کوچک تر از ۰,۰۱ بین نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن و گرایش به شغل پلیسی رابطه وجود دارد. از طرفی مقدار این رابطه که برابر با ۰,۵۲۳ است، به طور مستقیم (مثبت) و در حد متوسطی می باشد. بدین معنی که با بالا رفتن نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن، میزان گرایش زنان به شغل پلیسی به نسبت متوسطی بالا خواهد بود.

فرضیه ۶: به نظر می رسد بین نیازهای مالی و گرایش به شغل پلیسی در میان زنان رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از جدول ماتریس همبستگی، در دانشکده پلیس زن سطح معنی داری بیش از ۰,۰۵ درصد می باشد ($Sig=0,627$). بنابراین بین نیازهای مالی و گرایش به شغل پلیس رابطه وجود ندارد. در دانشکده علوم اجتماعی سطح معنی داری بیش از ۰,۰۵ درصد می باشد ($Sig=0,215$). بنابراین بین نیازهای مالی و گرایش به شغل پلیسی رابطه وجود ندارد.

نتیجه گیری

هدف اصلی در این تحقیق، شناخت علل گرایش زنان به شغل پلیسی است. روش به کار رفته در این تحقیق، پیمایش است و تکنیک آن پرسشنامه محقق ساخته که این پرسشنامه ها میان ۱۰۰ نفر متشکل از ۵۰ نفر از دانشجویان دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی و ۵۰ نفر از دانشجویان زن دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی تکمیل گردیده است و با استمداد از نرم افزار SPSS به توصیف داده ها و سپس روابط متغیرها پرداخته ایم.

در قسمت توصیف داده ها، درباره سن دانشجویان، رشته تحصیلی، اشتغال پاسخگویان، طبقه اجتماعی آنان و دلیل علاقه به شغل پلیسی سوال شده است. میانگین سنی کل دانشجویان حدود ۲۲ سال است و در قسمتی که از آنها پرسیده شده بود آیا دارای شغل هستید یا خیر، نیمی از آنها پاسخ بله و نیمی دیگر پاسخ خیر را انتخاب کردند. ۹۴ درصد از افرادی که در دانشکده پلیس زن تحصیل کرده اند، خود را شاغل نامیده اند. زیرا تحصیل آنها به منزله کار آنان نیز می باشد و در حین تحصیل مشغول به کار هستند و ماهانه مبلغی به عنوان کمک هزینه تحصیلی دریافت می کنند. در حالیکه تنها ۶ درصد دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی خود را شاغل نامیده اند و با توجه به میانگین سنی که حدود ۲۲ سال است، این امر طبیعی است.

در مورد طبقه اجتماعی کل دانشجویان، اکثریت آنها (۸۹ درصد) خود را در طبقه متوسط جای داده اند. در مورد اینکه آیا در خانواده شما فردی در مشاغل نظامی فعالیت می کند، ۵۰ درصد از دانشجویان دانشکده پلیس پاسخ مثبت داده اند و در دانشکده علوم اجتماعی نیز ۳۲ درصد از دانشجویان در خانواده شان فردی در مشاغل نظامی فعالیت می کند. این آمار که نیمی از دانشجویان دانشکده پلیس زن در خانواده شان فردی در مشاغل نظامی فعالیت می کند، امری بدیهی است زیرا ممکن است انگیزه و دلیل گرایش آنان به شغل پلیسی نیز همین فعالیت و خدمت اعضای خانواده شان باشد. ولی در مورد دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی امری قابل توجه بود و باعث خرسندی اینجانب بود که یک سوم از پاسخگویان دانشکده علوم اجتماعی با مشاغل نظامی آشنایی دارند و این سبب می شد در سوالات بعدی با آگاهی بیشتری پاسخگو باشند.

سوال درباره دلیل علاقه به شغل پلیسی، در دانشکده پلیس زن بیشترین فراوانی متعلق به خدمت به جامعه (۴۱ درصد) بود و در دانشکده علوم اجتماعی بیشترین فراوانی مربوط به جذابیت شغل پلیسی (۴۸/۵ درصد) بود و در نهایت کل دانشجویان اعم از دانشجویان دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی و دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، دلیل اصلی علاقه به شغل پلیسی را خدمت به جامعه (۳۶ درصد) دانسته اند.

کار بعدی تحلیل روابط دو متغیر است که از ضریب همبستگی پیرسون که برای اندازه گیری میزان ارتباط خطی بین دو متغیر در سطح فاصله ای و نسبی به کار می رود، استفاده شده است که در ذیل نتایج حاصل از شش فرضیه آمده است:

- به نظر می رسد بین تبلیغ رسانه های جمعی و گرایش به شغل پلیسی در میان زنان رابطه وجود دارد.

در دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی، این فرضیه با اطمینان ۹۹٪ و سطح خطای کوچک تر از ۱٪ مورد تایید قرار گرفته است و مقدار ضریب پیرسون برابر ۰/۵۳۸ است. یعنی رابطه مستقیم و مثبت است و با بالا رفتن تبلیغ رسانه های جمعی، میزان گرایش زنان به شغل پلیسی به نسبت متوسطی بالا خواهد بود.

در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی نیز این فرضیه با اطمینان ۹۹٪ و سطح خطای کوچک تر از ۱٪ مورد تایید قرار گرفته است و مقدار ضریب پیرسون برابر ۰/۶۱۹ است. یعنی رابطه مستقیم و مثبت است و با بالا رفتن تبلیغ رسانه های جمعی، میزان گرایش زنان به شغل پلیسی به نسبت متوسطی بالا خواهد بود.

منظور از رسانه های جمعی در این تحقیق به طور ویژه، تلویزیون و فیلم های تلویزیونی و سینمایی است که تبلیغ این رسانه ها تا چه حد موجب تمایل و علاقه مندی زنان به شغل پلیسی می شود که این فرضیه در مورد زنان هر دو دانشکده مورد تایید قرار گرفته است. بنابراین مشخص می شود که تبلیغ رسانه های جمعی در تمایل زنان به شغل پلیسی نقش مثبت دارد.

با توجه به تایید فرضیه، نقش رسانه های جمعی به وضوح قابل درک است. بنابراین برای آگاهی و شناخت بیشتر افراد با این شغل، جذابیت ها، خطرات، آسیب ها و همچنین نیاز جامعه به این شغل، رسانه ها باید فرهنگ سازی کنند و فیلم ها و سریال های آموزنده و درخور توجه تهیه کنند.

- به نظر می رسد بین تضمین شغلی و گرایش به شغل پلیسی در میان زنان رابطه وجود دارد.

در دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی، نتیجه سطح معنی داری بیش از ۵٪ می باشد ($Sig=0/731$) و هم چنین در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی نیز نتیجه سطح معنی داری بیش از ۵٪ می باشد ($Sig=0/954$). بنابراین می توان گفت که در هر دو دانشکده بین تضمین شغلی و گرایش به شغل پلیسی در میان زنان رابطه وجود ندارد.

مقصود ما از تضمین شغلی، آن است که این شغل به علت آنکه فرد از زمانی که وارد دانشگاه پلیس می شود، اطمینان دارد که در همان مجموعه مشغول به کار خواهد شد، در بازار کار سر در گم نخواهد بود و در واقع در استخدام دولت است. تایید نشدن این فرضیه، نشان آن است که از اولویت های افرادی که گرایش به شغل پلیسی دارند، تضمین شغلی و به تبع آن استخدام دولتی نیست. این فرضیه، با تئوری جداسازی بازار کار هماهنگ نیست. زیرا تئوری جداسازی بازار کار می گوید خصوصیات کار در بخش اولیه شرایط کاری خوب، مزد زیاد، فرصت هایی برای پیشرفت در امور کاری و مهم تر از همه ثبات شغلی است. (سفیری، ۱۳۷۷: ۵۸) رد شدن این فرضیه گویای این مطلب است که شرایط کاری خوب تنها به جنبه هاب مادی اشاره ندارد و جنبه های دیگری چون خدمت به جامعه نیز می تواند شرایط خوب کاری را رقم بزند.

- به نظر می رسد بین ویژگی های روحی و روانی زنان و گرایش آنها به شغل پلیسی رابطه وجود دارد.

در دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی، این فرضیه با اطمینان ۹۹٪ و سطح خطای کوچک تر از ۱٪ مورد تایید قرار گرفته است و مقدار ضریب پیرسون برابر ۰/۴۴۳ است. یعنی رابطه مستقیم و مثبت است و با بالا رفتن ویژگی های روحی و روانی زنان، میزان گرایش آنها به شغل پلیسی به نسبت متوسطی بالا خواهد بود.

در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی نیز این فرضیه با اطمینان ۹۹٪ و سطح خطای کوچک تر از ۱٪ مورد تایید قرار گرفته است و مقدار ضریب پیرسون برابر ۰/۵۰۹ است. یعنی رابطه مستقیم و مثبت است و با بالا رفتن ویژگی های روحی و روانی زنان، میزان گرایش آنها به شغل پلیسی به نسبت متوسطی بالا خواهد بود.

در این تحقیق منظور ما از ویژگی های روحی و روانی، خصوصیات چونی هیجان خواهی، عزت نفس، برون گرایی و تنهایی است و سنجش این که تا چه میزان این ویژگی ها در گرایش زنان به شغل پلیسی موثر است. نتیجه این بود که در هر دو دانشکده پلیس زن دانشکده علوم انتظامی و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی بین ویژگی های روحی و روانی زنان و گرایش آنان به شغل پلیسی رابطه مستقیم وجود داشت. یعنی با بالا رفتن روحیه هیجان خواهی، عزت نفس و برون گرایی زنان، میزان گرایش آنان به شغل پلیسی نیز بالا خواهد بود و این موضوع در هر دو دانشکده صادق بوده است. یعنی چه آنهایی که در دانشکده پلیس زن درس می خوانند و در آینده در سمت پلیسی فعالیت می کنند و چه آنهایی که در دانشکده علوم اجتماعی تحصیل می کنند، هر دو ویژگی های روحی و روانی زنان را در گرایش آنان به شغل پلیسی موثر می دانند.

تئوری تفاوت بیولوژیکی زن و مرد نشان می دهد بین صفات شخصیتی و میزان هورمون تستوسترون یا هورمون مردانه نیز روابطی وجود دارد. میزان تستوسترون در دخترهایی که به ظاهر حرکت های پسرانه دارند و به یادگیری فعالیت های پسرانه علاقه نشان می دهند، خیلی بالاتر از دخترهایی است که به یادگیری فعالیت های به ظاهر دخترانه علاقه نشان می دهند. به همین دلیل است که دخترانی که تستوسترون بالایی دارند، خود را جسورتر، خودمختارتر و چالاک تر می دانند و در واقع اعتماد به نفس و خویشتن داری قوی دارند. (گنجی، ۱۳۸۲: ۳۵) شغل پلیسی یکی از مشاغل مردانه است که شاید علت رابطه مستقیم و مثبت میان ویژگی های روحی و روانی زنان و گرایش به شغل پلیسی میزان بالای هورمون تستوسترون در این خانم ها باشد که برای سنجش این میزان احتیاج به پژوهش و آزمایش است.

- به نظر می رسد بین ویژگی همسان پنداری زنان با مردان و گرایش زنان به شغل پلیسی رابطه وجود دارد.

در دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی، نتیجه سطح معنی داری بیش از ۵٪ می باشد ($Sig=0/467$) و هم چنین در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی نیز نتیجه سطح معنی داری بیش از ۵٪ می باشد ($Sig=0/079$). بنابراین می توان گفت که در هر دو دانشکده بین ویژگی همسان پنداری زنان با مردان و گرایش زنان به شغل پلیسی رابطه وجود دارد.

مقصود از همسان پنداری زنان با مردان در این تحقیق آن است که زنان خواهان آن هستند که به خود و دیگران ثابت کنند می توانند تمام کارهایی که مردان انجام می دهند را با همان کیفیت انجام دهند و هیچ تفاوتی بین زن و مرد از نظر ایفای مشاغل و انتخاب شغل وجود ندارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که نه افرادی که در دانشکده پلیس زن تحصیل می کنند و در آینده در سمت پلیسی خدمت می کنند و نه افرادی که در دانشکده علوم اجتماعی درس می خوانند، علت گرایش به شغل پلیسی را همسان پنداری زنان با مردان نمی دانند.

همان طور که آیت الله جوادی آملی می گویند در مبانی تکامل انسانی هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. هم زن از زن و مرد خلق شده و هم مرد از زن و مرد خلق شده «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى (سوره حجرات، آیه ۱۳)» و خداوند تقوا را ملاک برتری دانسته و می گوید زن یا مرد بودن ملاک برتری نیست بلکه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ». (حجرات، آیه ۱۳) اما به هر حال زن و مرد از لحاظ جسمانی با هم تفاوت دارند. تفاوت های زن و مرد تناسب است نه نقص و کمال. قانون خلقت خواسته است با این تفاوت ها تناسب بیشتری میان زن و مرد - که قطعا برای زندگی مشترک ساخته شده اند و مجرد زیستن انحراف از قانون خلقت است- به وجود آورد. (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۶۱) بنابراین رد این فرضیه نیز نشان می دهد علت گرایش به شغل پلیسی به دلیل همسان پنداری زنان با مردان نیست و دلایل دیگری در گرایش آنان به این شغل دخیل است.

- به نظر می رسد بین نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن و گرایش زنان به شغل پلیسی رابطه وجود دارد. در دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی، این فرضیه با اطمینان ۹۹٪ و سطح خطای کوچک تر از ۱٪ مورد تایید قرار گرفته است و مقدار ضریب پیرسون برابر ۰/۶۳۵ است. یعنی رابطه مستقیم و مثبت و در حد نسبتا بالا می باشد و با بالا رفتن نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن، میزان گرایش زنان به شغل پلیسی به نسبت قابل توجهی بالا خواهد بود. در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی نیز این فرضیه با اطمینان ۹۹٪ و سطح خطای کوچک تر از ۱٪ مورد تایید قرار گرفته است و مقدار ضریب پیرسون برابر ۰/۵۲۳ است. یعنی رابطه مستقیم و مثبت است و با بالا رفتن نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن، میزان گرایش زنان به شغل پلیسی به نسبت متوسطی بالا خواهد بود. منظور از نیاز جامعه در این تحقیق، احتیاجاتی چون امنیت، پیشرفت و خدمت است که جالب آن است که در دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی، ضریب همبستگی این رابطه ۰/۶۳۵ به دست آمده است که این مقدار بالا نشان می دهد که زنان پلیس به واسطه نیاز جامعه است که در عرصه های مختلفی چون دادن گذرنامه، گواهی نامه رانندگی، مشاوره انتظامی و برخورد با مجرمین فعالیت می کنند و به شغل پلیسی گرایش دارند. در مورد زنان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی نیز این فرضیه تایید شده است و آنها نیز رابطه بین نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن و گرایش زنان به شغل پلیسی را تایید می کنند. نکته قابل توجه در مورد این فرضیه، آن است که در مورد سوال دلیل علاقه به شغل پلیسی، کل پاسخگویان اعم از دانشجویان دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی و دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، دلیل اصلی علاقه به شغل پلیسی را خدمت به جامعه (۳۶درصد) دانسته اند و این مقدار در دانشکده پلیس زن کمی بیشتر از دانشکده علوم اجتماعی بوده است، یعنی دقیقا همان نتیجه ای که به تایید این فرضیه انجامیده است.

- به نظر می رسد بین نیازهای مالی و گرایش به شغل پلیسی در میان زنان رابطه وجود دارد. در دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی، نتیجه سطح معنی داری بیش از ۵٪ می باشد ($Sig=0/627$) و هم چنین در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی نیز نتیجه سطح معنی داری بیش از ۵٪ می باشد ($Sig=0/215$). بنابراین می توان گفت که در هر دو دانشکده بین نیازهای مالی و گرایش به شغل پلیسی در میان زنان رابطه وجود ندارد.

مقصود از نیاز مالی در این تحقیق آن است که افراد تا چه حد شغل پلیسی را به خاطر احتیاجات مالی انتخاب می کنند که نتیجه به دست آمده حاکی از آن است که در هر دو دانشکده از اولویت های گرایش به شغل پلیسی در میان زنان، نیازهای مالی نبوده است و بین این دو متغیر رابطه معنی داری وجود ندارد. یعنی هم آنهایی که در دانشکده پلیس زن مشغول هستند و هم آنهایی که در دانشکده علوم اجتماعی تحصیل می کنند، عقیده دارند که بین نیازهای مالی و گرایش به شغل پلیسی در میان زنان رابطه وجود ندارد.

وجود دو بازار نسبتاً جدا که در تئوری جداسازی بازار کار و تفکیک مشاغل آمده است، سبب محدودیت در انتخاب شغل زنان می شود و نابرابری حقوق و مزایای زنان و مردان، مزد پایین و تراکم بالا در مشاغل زنانه سبب می شود زنان به مشاغل مردانه روی بیاورند و به این وسیله نیاز مالی خود را برطرف نمایند. (لیسون، ۱۹۸۴: ۱۴۰) بین نیاز مالی و گرایش به شغل پلیسی در میان زنان در این پژوهش رابطه وجود ندارد و با توجه به اینکه اکثریت پاسخگویان (۸۹ درصد) خود را در طبقه متوسط جای داده اند، نیاز مالی را علت گرایش به شغل پلیسی نمی دانند.

از میان شش فرضیه، سه فرضیه تایید و سه فرضیه رد شده است. بنابراین بین تبلیغ رسانه های جمعی، ویژگی های روحی و روانی زنان، نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن (متغیرهای مستقل تحقیق) و گرایش زنان به شغل پلیسی (متغیر وابسته تحقیق) رابطه وجود دارد که این رابطه مستقیم و مثبت است. به بیان دیگر، فرضیه های مورد قبول به تایید عوامل درونی (ویژگی های روحی و روانی زنان)، عامل بیرونی (نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن) و عامل میانی یا واسطه (رسانه های جمعی) اشاره دارد و با بالا رفتن هر کدام از این متغیرها، میزان گرایش زنان به شغل پلیسی افزایش پیدا می کند. در کل می توان گفت با توجه به فرهنگ ایرانی و اسلامی که جامعه ما دارد، دلیل عمده گرایش به شغل پلیسی را پاسخگویان نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن می دانند که با این شغل هم کاری خدایسندانه انجام داده اند و هم خدمت به خلق و کمک به هممنوع کرده اند و می توانند سختی هایی چون نگرهبانی و شیفت های شبانه، ارتباط با زرندان و زندانی، آموزش های خشنی چون تیراندازی، مشق شمشیر و کار با سلاح را تحمل کنند و گامی در جهت رشد و پیشرفت جامعه برداشته باشند.

منابع

۱. آبوت، پاملا، و والاس، کلر (۱۳۸۰). **جامعه شناسی زنان**. ترجمه منیره نجم عراقی، تهران، نشر نی،
۲. سفیری، خدیجه (۱۳۷۷). **جامعه شناسی اشتغال زنان**. تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان،
۳. زنجانی زاده، هما (۱۳۷۰). **بررسی نظریات درباره نابرابری جنسی در بازار کار**. مشهد، دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد،
۴. شادی طلب، ژاله (۱۳۷۹). **برنامه ریزی جنسیتی بر پایه واقعیت ها. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی**، پاییز و زمستان، شماره ۱۱ و ۱۲،
۵. قرآن کریم
۶. گنجی، حمزه (۱۳۸۲). **مبانی روانشناسی عمومی**. تهران، نشر روان،
۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). **نظام حقوق زن در اسلام**. تهران، انتشارات صدرا،

8. Lyson, T. A. (1984). sex differences in the choice of male or female career line: An analysis of background characteristics and works values,

Factors Affecting Women tend to be manly occupations (Case Study: College student girls policewomen and police science at the University of Allameh Tabatabai and University School of Social Sciences 90-91)

Syede Zahra AskariTabatabaei*, Dr. AlirezaKaldi**, Dr. FaribaShaygan***

Abstract

Women tend to be manly occupations, including social phenomena that can be seen in recent years. One of these jobs, is police jobs, the study seeks to answer the question of what factors influence the tendency for police jobs. Feminist theories, theories, and religious authorities on women's employment, gender division of labor theory, the theory of biological differences, labor market segregation theory and the theory of job separation, are the theories used in this study. The method used in this research, survey and research tool, a questionnaire that Between 100 people composed of 50 students from the College of Police Woman and 50 students from the Faculty of Social Sciences of Allameh Tabatabai University, completed questionnaires. Using SPSS software to analyze the relationship of variables is studied by the Pearson correlation coefficient. Results show that the six hypotheses to explain the relationship between mass media advertising, Employment security, psychological characteristics of women consider women equal to men in need of clothes female police presence (independent variables) and the tendency for police jobs (dependent variable) tackles, three hypotheses confirmed three hypotheses were rejected. Hypothesis was confirmed by the relationship between mass media propaganda, psychological characteristics of women in Islamic society requires women police (independent variables) and the tendency for police jobs (dependent variable) shows that this is a direct and positive relationship. With the rise of mass media propaganda, psychological characteristics of women, Islamic society requires women to the police; the women tend to be the top cop job.

Key words: women, manly occupations, female police job

*MA in Women's Studies Islamic Azad University, Science and Research branch

**Professor of Islamic Azad University, Science and Researchbranch

***Professor ofPolice University